دیپلماسی

سکوت مدعیان حقوق بشر درباره حمله تروریستی شیراز

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه در نشست هفتگی خود با اصحاب رسانه، ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی شاهچراغ، گفت: متأسفانه کسانی که خود را مدعی باغ‌نشینی و دیگران را مدعی جنگل‌نشینی توصیف می‌کنند، در این روزها زبان به کام گرفته و سخن نمی‌گویند و حمایت از حقوق بشر و حمایت از حقوق زن و کودک را که همواره مدعی آن هستند، به فراموشی سپرده‌اند. کنعانی تاکید کرد: اگر نقش برجسته ایران و سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی در مبارزه با تروریسم تکفیری و داعشی نبود، قطعا جامعه جهانی و همه دولت‌های مدعی حقوق بشر تا این زمان درگیر جنایات ناشی از این جریان تروریستی بودند. نقش برجسته جمهوری اسلامی ایران و این سردار بزرگ ایرانی در دور کردن این تهدید بزرگ از سر جامعه جهانی در تاریخ ثبت خواهد شد و آزادگان جهان حتما با انصاف و قضاوت عادلانه جهانی به این نگاه می‌کنند و نقش ایران و سردار ایرانی را به یاد خواهند سپرد. وی در مورد اظهارات اخیر وزیر خارجه آلمان مبنی بر این‌که اتحادیه اروپا در حال بررسی این موضوع است که سپاه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد، تاکید کرد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهاد نظامی رسمی ایران بوده و انجام چنین اقداماتی غیرقانونی است. سخنگوی وزارت خارجه در مورد تصمیم نیوزیلند در مورد تعلیق گفت‌وگو با ایران در مورد مسائل حقوق بشر به دلیل تحولات داخلی کشورمان گفت: این اقدامات غیرمسئولانه، احساسی و عملا مبتنی بر رویکرد سیاسی است.

امنیت

شناسایی و دستگیری عاملان دیگر حادثه تروریستی شاهچراغ

حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در همایش ملی پدافند غیرعامل کشور با بیان این‌که ما توان و اقتدارمان را مدیون مردم هستیم، گفت: دشمن تلاش می‌کند اغتشاشات را با بحران‌آفرینی‌های جدید و با کمک اقدامات ایذایی و فشارهای جهانی و عملیات تروریستی و اقدامات هنجارشکنانه ادامه دهد. به دلیل رعایت یکی از اقدامات کوچک پدافندی در شیراز به لطف الهی سربازان گمنام امام زمان موفق شدند عامل دوم عملیات تروریستی شاهچراغ را شناسایی کنند.

وزیر اطلاعات خاطرنشان کرد: پدافند غیرعامل اگر بتواند هوشمند، فعال، مؤثر و مصونیت‌زا باشد، می‌تواند در جهت برقراری امنیت ما نقش اصلی و جدی داشته باشد. بنابراین یکی از عوامل اولویت‌دار و مهم کشور ماست و البته ارزیابی آن کمتر از اهمیت آن نیست، بنابراین باید به صورت مستمر نظارت، ارزیابی، کنترل و برآورد نسبت به آن وجود داشته باشد. وی بیان کرد: امروز دشمن از فناوری‌های نو به نفع خود و برای تهدید علیه ملت ما استفاده می‌کند، بنابراین سازمانی که بتواند برای مقابله با این تهدیدات هوشمندانه پیش‌بینی و پیشگیری کند و نسبت به آنچه حاصل می‌شود مصونیت‌سازی کند، می‌تواند در پدافند و مقابله با این تهدید توفیق به دست آورده و موفقیت را کسب کند.

خطیب با اشاره به تهدیدات دشمنان، گفت: با یک جنگ ترکیبی، هوشمند و مستمر دشمن روبه‌رو هستیم و اگر امروز دشمنی در اغتشاش تجلی پیدا می‌کند یا تجمعی برگزار شده یا احیانا اقداماتی از این قبیل تعریف شده است، به همین اقدامات محدود نمی‌شود. بیش از ۴۰ سال است که دشمن هر روز توطئه، فتنه، کودتا و استفاده از گروهک‌ها و نفاق و البته تهاجم فرهنگی و هر چه در توان خود دارد را به کار گرفته است و امروز نیز هدف براندازی، تجزیه و تضعیف انقلاب، کشور و ملت ما را در ابعاد مختلف تعریف کرده و با بحران‌آفرینی و با استفاده از اقدامات خشن و عملیات‌های مختلف این اهداف را پیش می‌برد.

وزیر اطلاعات با اشاره به حوادث اخیر کشور، گفت: در این فتنه اخیر با اعتراض روبه‌رو نیستیم بلکه با اغتشاش روبه‌رو هستیم. در اعتراض، کشتن و آتش زدن و آسیب رساندن جا و تعریفی ندارد پس هر چیزی که در صحنه اجتماعی و در صحنه نخبگان و دانشگاهی همراه با خشونت و تخریب می‌شود، غیر از اغتشاش نام دیگری ندارد. خطیب ادامه داد: آنچه را دشمن به شکل مسلحانه در کردستان و بلوچستان دنبال می‌کند، غیر از تجزیه‌طلبی رنگ و تعریف دیگری ندارد بنابراین آنچه با آن روبه‌رو هستیم، یک بسته و پکیج کامل است که سرویس‌های اطلاعاتی و کشورها و رسانه‌های بیگانه به عنوان یک بسته واحد تعریف کرده و هر روز با هماهنگی که ایجاد کردند آن را دنبال کرده و بحران می‌آفرینند.

وی تصریح کرد: درباره اغتشاشات اخیر یکی از سردمداران اروپایی می‌گوید این همان چیزی بود که خود را برای آن آماده کرده بودیم، بنابراین بهانه و عاملی برای بحران‌افزایی و تهدیدی برای ملت پیدا و اهداف خود را دنبال کردند که پیش از آن جلسات متعددی توسط رژیم صهیونیستی، سرویس‌های آمریکایی، سعودی و برخی کشورهای اروپایی در جهت برنامه‌ریزی آن برگزار شده بود که محتوا و مطالب آن وجود دارد و مستندات آن در دست دستگاه اطلاعاتی کشور ما قرار دارد. عمده هدایت و رهبری این اغتشاش را دشمنان ملت ایران هدایت می‌کنند و عوامل سنتی از جمله گروهک‌های تروریستی بازیچه این خیمه‌شب بازی هستند.

خطیب یادآور شد: اینها همه کسانی هستند که بازیگران و عوامل این خیمه‌شب‌بازی هستند. در داخل هم می‌توانیم یک اقلیتی که پرخاشگر و خشونت‌زاست، ببینیم که در این اقلیت با یک اقلیتی روبه‌روییم که آموزش دیده‌اند، سازمان‌یافته، مزدوری کرده و مدارکی وجود دارد که پول و امکانات گرفته است چه به طور مستقیم یعنی کسانی که در کشورهای مختلف آموزش دیده‌اند و چه به طور غیرمستقیم که فضای مجازی این امکان را برای آنان فراهم آورده است.

خطیب ادامه داد: ما در مواجهه با اجماعی که در میان دشمنان ما ایجاد شده، توان و اقتدارمان را مدیون حضور مردم و همراهی آنان هستیم. مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی جزو اولویت‌هایی است که در جهت ارتقای آن باید تلاش کرد. پیگیری مطالبات و نارضایتی‌ها و آنچه نیاز اجتماعی مردم ما در موضوعات اقتصادی و... است، باید در اولویت قرار گیرد. برپایه این گزارش وزارت اطلاعات نیز در اطلاعیه خود در این‌باره آورده است که «با الطاف الهی و عنایات اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) و ادعیه مردم مؤمن، به‌ویژه خانواده‌های دلسوخته شهدای فاجعه تروریستی حرم حضرت احمدبن موسی(ع)، در عملیاتی پیچیده و با همکاری مردم هوشیار و بابصیرت ایران اسلامی، عنصر دوم عملیاتی و شش نفر از عوامل پشتیبانی تیم جنایتکار تروریستی آن حرم مطهر شناسایی و بازداشت شدند. اطلاعات تکمیلی متعاقبا به آگاهی ملت سرافراز ایران اسلامی خواهد رسید.»

ماموریت ویژه «رژیم مافیایی»

سازمان‌های اطلاعاتی و اندیشکده‌های آمریکایی چطور برای تجزیه ایران و براندازی کار می‌کنند؟

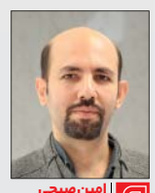

امین صبحی
دبیرگروه سیاسی

۱۰ اسفند سال گذشته یکی از دقیق‌ترین تعابیر درباره آمریکا از سوی رهبر انقلاب مطرح شد که اشاره به مافیایی بودن رژیم آمریکا داشت. ایشان در یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های خود به تبیین این موضوع هم ورود کردند و گفتند «شبکه‌های مافیایی قدرت در داخل آمریکا، از بحران‌هایی که در سراسر جهان اتفاق می‌افتد ارتزاق می‌کنند، استفاده می‌کنند. اساسا آمریکا یک رژیم مافیایی است؛ مافیای سیاسی، مافیای اقتصادی، مافیای اسلحه‌سازی؛ انواع و اقسام مافیاهایی که سیاست‌های این کشور را در دست دارند و هدایت می‌کنند و کنترل کشور در واقع دست آنهاست؛ آن وقت این مجموعه مافیایی، این رژیم مافیایی احتیاج دارد که در اطراف دنیا یک جاهایی بحران وجود داشته باشد، لذا کانون‌های بحران را خلق می‌کند. در منطقه غرب آسیا شما ببینید چقدر اینها بحران‌سازی کردند؛ اینها احتیاج پیدا کردند موجودی مثل داعش را به وجود بیاورند که سگ دست‌آموز آنها بود... امروز به نظر من، اوکراین هم قربانی همین سیاست است.»

همین پیش‌فرض را درباره پیچیدگی و مافیایی بودن رژیم آمریکا و اهمیت زنده نگه داشتن کانون بحران برای آنها را به شهریور ۱۴۰۱ بیاورید و در این پارادایم مافیایی بودن آمریکا به تحلیل وضعیت کشورمان بپردازید. حالا خط و ربط‌های امنیتی بهتر معنا پیدا می‌کند. این موضوع اساسا ربطی به جوانان و دانشجویانی که بعضی آنها از سر هیجان طلبی در خیابان هستند، ندارد، ما از یک سطح بسیار بالاتر و رفتارهای امنیتی صحبت می‌کنیم، در ناآرامی‌های اخیر مصادیق فراوان و استنادات غیرقابل انکاری از نقش‌آفرینی همه جانبه رژیم تروریستی آمریکا در سه مرحله طراحی، اجرا و استمرار غائله وجود داشت که نقش رژیم مافیایی آمریکا، همپیمانان و پیاده نظامشان در اغتشاشات اخیر کشور را خاص و متفاوت کرده است.

یک پروژه از پیش طراحی و آماده شده و حتی چند نوبت به تعویق افتاده در بهترین زمان یعنی شهریور امسال به بهانه فوت غم‌انگیز مهسا امینی آغاز شده بود و طبق اطلاعات موجود نقش اصلی را آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا یا همان سازمان سیا به عهده داشت. البته این مرکزیت همکاری نزدیک سایر سرویس‌های اطلاعاتی خارجی از جمله انگلیس، موساد و سرویس اطلاعات خارجی سعودی را هم داشت؛ نکته‌ای که توسط وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه هم به دقت تبیین شد.

سازمان‌های موسوم به همدستان

رژیم آمریکا برای ایجاد جنگ داخلی نیاز به اطلاعات ترکیبی و اقدام چندوجهی اندیشه‌ای و میدانی داشت. در وهله اول شبکه‌سازی و نفوذ در بخش‌های اجتماعی شکل گرفت و سازمان‌های موسوم به همدستان به عنوان نیروهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در پوشش فعالیت‌های حقوق بشری و ترویج دموکراسی روی خط آمدند. از سوی دیگر، آمریکایی‌ها برای بحران‌سازی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و از کمپین‌های موسوم به «حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها در ایران» رونمایی کردند که البته جزء مهم دیگر آن هم ایجاد همگرایی بین این قبیل عناصر در ایران و کشور همسایه افغانستان بود. گام سوم هم امر میدانی و خشونت‌آمیز برنامه بود که تحت پروژه‌های گوناگونی مثل «توسعه دموکراسی و آزادی»، نیروهای اجاره‌ای خود را به گونه‌ای سازماندهی و تأمین مالی کردند که آموزش اقسام جنگ شهری و تکنیک‌های شورش اجتماعی را هم به دست گرفتند و همزمان اراذل و اوباش را شناسایی و سازماندهی کردند.

سودکلان در سفره‌های خون

اما این رژیم مافیایی از این طراحی میدانی و عملیاتی چه سودی می‌برد؟ فارغ از دستاوردهای سیاسی این رویکردها و این‌که این نوع اقدامات به کرات توسط آمریکا در منطقه ما اجرا و عملیاتی شده به نظر می‌رسد سود مالی این اقدامات هم برای دولتمردان آمریکایی بالاست. به طور مثال بر اساس گزارش‌های اندیشکده‌های آمریکایی، از زمان تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان یعنی ۲۰ سال قبل تاکنون، وزارت دفاع آمریکا(پنتاگون) بیش از ۱۴ تریلیون دلار هزینه کرده که برآوردهای رسمی نشان می‌دهد بین یک‌سوم تا نیمی از بودجه به پیمانکاران پنتاگون رسیده است. یعنی همان افراد که به‌عنوان بخش خصوصی نظامی بزرگ‌ترین برنده جنگ فروشی واشنگتن هستند. این جریان قدرتمند که ذی‌نفع اصلی بحران‌سازی در دنیا و مداخلات آمریکا و ناتو در تمام کشورها هستند، طیفی از مجتمع‌های صنعتی نظامی قدرتمند آمریکا گرفته تا شرکت‌های لجستیک و بازسازی و پیمانکاران امنیتی بدنام را در برمی‌گیرد که ذی‌نفعان اصلی این بازی کثیف هستند. تا جایی که حدود یک‌سوم قراردادهای پنتاگون در سال‌های اخیر تنها به پنج پیمانکار بزرگ تسلیحاتی آمریکایی اختصاص یافته است؛ لاکهید مارتین، بوئینگ، جنرال داینامیکس، ریتون و نورث‌روپ گرومن. نکته اصلی اینجاست که مالکان و سهامداران عمده این شرکت‌ها و سفره‌های خونین کارتل‌ها و یهودیان صهیونیست هستند. اما بحث در زمینه رژیم مافیایی فقط به حوزه‌های پرتنش میدانی و تسلیحاتی محدود نیست و نظریه‌پردازی و مافیای سیاسی آن هم در اندیشکده‌ها از شریان‌های اصلی این رژیم محسوب می‌شود. در این چارچوب اندیشکده‌های آمریکایی بسیاری حضور دارند که در پوشش مشاوره آکادمیک و البته با پول لابی‌های صهیونیستی، سناریوهای مختلف تحریم، آشوب، جنگ داخلی و حتی تجزیه ایران را به‌صراحت و روزانه دنبال و تئوری‌پردازی و عملیاتی می‌کنند.

کارزار اندیشکده‌ها

اما نقش اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکری آمریکایی در این کارزار پیچیده چیست؟ یکی از این موسسات کلیدی، بنیاد دفاع از دموکراسی‌هاست که به‌عنوان یک موسسه تحقیقاتی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأسیس شد و تمرکزش تقویت امنیت ملی آمریکا و کاهش یا حذف تهدیدات ناشی دشمنان آمریکا است. این بنیاد به طور رسمی اذعان دارد نتیجه تحقیقات خود را با دولت‌های بوش، اوباما، ترامپ و بایدن به صورت فراحزبی به اشتراک گذاشته و علاوه بر ایران بر چین، روسیه و ترکیه متمرکز است و پروژه‌های خود را حول این کشورها تعریف می‌کند. در همین مدت شخصی به نام ریچارد گلدبرگ، کارشناس برجسته این اندیشکده با انتقاد از رفتار دولت آمریکا نسبت به اعتراضات ایران به‌دلیل این‌که تنها به عکس گرفتن با مخالفان ایران بسنده کرده، خواستار ارسال پیامی روشن از آمریکا به ایران و اعلام توقف کامل مذاکرات رفع تحریم‌ها شده است. حتی کارشناسان این اندیشکده ضد ایرانی با اذعان به قدرت جمهوری اسلامی در منطقه، مستقیما موفقیت اعتراضات را در ایران به معنای حذف جمهوری اسلامی و حذف جمهوری اسلامی را به معنای تفوق استراتژیک آمریکا در خاورمیانه عنوان کرده‌اند. البته بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، یکی از چند اندیشکده‌ای است که در پوشش مشاوره آکادمیک و با پول لابی‌های صهیونیستی فعالیت می‌کند و اندیشکده‌هایی از این فقره در آمریکا و غرب بسیار زیاد است. به عنوان مثال، شورای روابط خارجی آمریکا، موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، شورای آتلانتیک، بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل، بروکینگز، شورای روابط خارجی اروپا و بنیاد هریتج در این تقسیم کار قرار می‌گیرند. در همین دو ماه اخیر که از ناآرامی‌های ایران می‌گذرد، هسته‌های اصلی که در این اتاق فکرها مورد پردازش و بررسی قرار گرفته شامل موضوعاتی ذیل آشوب‌های ایران بوده است. فقط به این سرفصل‌ها نگاه کنید؛ «اعتراضات ایران نباید با شکست همراه شود، حساسیت رژیم ایران به اصلاحات باعث خشونت می‌شود. اعتراضات در ایران، جمهوری اسلامی را بیش از پیش متزلزل کرده. ایران با اعتراضات سراسری روبه‌روست؛ آیا این اعتراضات را می‌توان انقلاب دانست؟ ایران در آستانه گریز هسته‌ای. چگونه از مردم ایران حمایت کنیم و جلوی دستیابی رژیم به بمب اتم را بگیریم؟ بحران مشروعیت در ایران؟» اینها فقط بخشی از مهم‌ترین رویکردهای این موسسات به ظاهر اندیشه‌ورز اما در واقع اتاق‌های فکر برانداز است که به‌صورت متمرکز بر تولید محتوا در این حوزه مشغول هستند. مثال دیگر در این زمینه هم سعید قاسمی‌نژاد و بهنام بن‌طالب‌لو دو نفر از کارشناسان اندیشکده دفاع از دموکراسی‌ها هستند که به منظور القای بحرانی بودن شرایط فعلی کشور با حمایت و دعوت به جنگ داخلی معتقدند این اعتراض‌ها برمبنای تطور اعتراضات و اعتصاب کارگری شکل گرفته و متفاوت از آنچه در سال ۸۸ روی داده، به‌جای اصلاح به سمت انقلاب حرکت می‌کند و بر این مبنا تلاش می‌کنند با تقابل نمایی مردم در برابر حاکمیت، آنها را به فاز مقاومت فعالانه وارد کنند.

مشاوران خائن از واشنگتن تا تهران

موضوع حائز اهمیت دیگر در این زمینه مشاوران خائن برخی از سیاستمداران آمریکایی است، البته این اصطلاح مشاور خائن حتما خارج از کشور نیست بلکه در داخل کشور هم وجود دارد که همان گزاره نفوذ را شکل می‌دهند. درواقع همان افرادی که با برخی اقدامات و موضع‌گیری‌های عجیب به لجاجت سیستماتیک روی موضوعاتی که با تنفر اجتماعی همراه است، پافشاری می‌کنند و باعث ایجاد خشم و تنفر در مردم می‌شوند.

«اشتباهات آمریکایی‌ها درمورد ایران به‌دلیل مشاوره ایرانیان خائنی است که به آنها مشورت می‌دهند. این خیانتکاران هم به ایران خیانت می‌کنند و هم به آمریکایی‌ها چون بدون اطلاع صحیح مشورت می‌دهند.» این سخنان جالب و بدون رتوش رهبر انقلاب در ۱۴ خرداد امسال هم به فهم بهتر این صورت‌بندی کمک می‌کند و پاسخ بسیاری از سوالات ما را می‌دهد. این سؤال که حقیقتا چرا غربی‌ها از این اعتراض‌ها به توهم انقلاب در ایران رسیده‌اند؟ به عنوان مثال یکی از نمونه مشورت‌های غلط، ادعای دین‌گریزی و زده شدن مردم از انقلاب بوده است، تحلیلی که برآمده از یک فضای گلخانه‌ای و غیرواقعی است و بیشتر تبدیل کردن آرزوها به استراتژی است اما فقط یک مورد تشییع میلیونی سردار شهید، تمام تصور آنها را درباره ارادات مردم به سپاه و زنده بودن شعارهای انقلاب برهم زد، چون براساس اطلاعات غلط همین مشاوران آمریکایی، غالب تصور آنها این بود که مردم مخالف سپاه و سردار سلیمانی هستند و از ترور او استقبال می‌کنند. بلاهت دنباله‌داری که اینک درباره اعتراضات ایران و توهم انقلاب از ریزشورش‌های فعلی ادامه‌دار است.

گزارش

عملیات مهندسی؛ نسخه ۱۴۰۱

نحوه شهادت «آرمان علی‌وردی» بار دیگر نحوه جنایات منافقین را در اذهان زنده کرد

طلبه بسیجی شهید آرمان علی‌وردی در حالی که ۲۱ بهار از عمرش گذشته بود چهارم آبان ماه و در جریان آشوبگری اهالی فتنه در منطقه اکباتان بر اثر جراحت شدید ناشی از حمله و شکنجه وحشیانه اغتشاشگران مجروح شد و بعد از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید. این جنایت فجیع، نسخه به‌روزرسانی‌شده جنایت هولناکی بود که جریان نفاق در سال ۱۳۶۱ رقم زد و بعدها به عملیات مهندسی شهرت پیدا کرد و پرده از تزویر جنایتکارانی برداشت که این روزها تحت حمایت غرب و رژیم صهیونیستی به دروغ و فریب، شعار زندگی و آزادی سر می‌دهند و با نقاب مردم‌دوستی که بر چهره زدند در فرصت آشوب و بلوایی که به پا کردند دست به جنایتی هولناک‌تر از داعشیان می‌زنند. نحوه شهادت آرمان علی‌وردی نشان داد که چگونه جریان نفاق سیرت ددمنشانه خود را نه تنها حفظ کرده بلکه با به روزرسانی و ارتقای سطح خشونت خود، «قتل صبر» را سر لوحه خود قرار داده و می‌کوشد عمق کینه و نفرت خود را نسبت به نظام جمهوری اسلامی و در بستر اعتراضات اخیر، عریان و بی واهمه به نمایش بگذارد. خوانش تاریخی عملیات مهندسی بی‌تردید آگاهی بخشی به معترضانی است که معرفت و شناخت کمی نسبت به تشکیلات نفاق، مرام، شیوه و ددمنشی آنان دارد و لزوم مطالعه و عبرت‌گیری از جریانی را گوشزد می‌کند که فرجامش زباله دانی تاریخ است.

جابه‌جایی مرزهای ددمنشی

۲۲ مرداد ۶۱ مردم در یکی از خیابان‌های شهر تهران، فردی را در حال سرقت یک خودرو دستگیر کردند و او را تحویل نیروهای کمیته دادند. هیچ کس آن زمان فکر نمی‌کرد که خسروزندی، سارق دستگیرشده یکی از اعضای سازمان منافقین باشد اما بعد از بازجویی توسط ماموران دادستانی و کمیته، زندی، بازجوها را به منطقه باغ فیض در شمال غرب پایتخت یعنی محل دفن سه جنازه زنده به گورشده برد و پرده از جنایتی هولناک به نام عملیات مهندسی برداشت. عملیاتی که ۲۵ روز از ماه مرداد ۶۱ باعث قربانی شدن سه پاسدار کمیته انقلاب اسلامی، یک کفاش، یک معلم و حتی یک مهندس هوادار سازمان شد.

مرور خاطرات برخی عناصر جداشده سازمان منافقین روشن می‌کند که جریان نفاق به دلیل ضربات شدیدی که به‌واسطه لو رفتن خانه‌های تیمی در اوایل ماه‌های سال ۶۱ متحمل شده بود در پی آن بود تا با ربودن و شکنجه افراد مشکوکی که حول و حوش خانه‌های تیمی بودند از آنها اطلاعات بگیرد. این نکته‌ای است که در خاطرات علی‌اکبر راستگو، عضو جداشده منافقین در کتاب «مجاهدین خلق در آینه تاریخ» درباره عملیات مهندسی آمده و حاکی از اوج شقاوت و رذالت تبهکارانی است که تصور می‌کردند نزاع میان آنها و جمهوری اسلامی، نبرد بین دو سازمان مهندسی است و هرکسی در این مسیر بیشتر شکنجه کند برنده است.

خانه وحشت در خیابان بهار

ادامه بازجویی‌ها از زندی باعث کشف عوامل دیگر این جنایت شد. او در اعترافات خود نشانی اتاق شکنجه خانه‌ای در یکی از کوچه‌های خلوت خیابان بهار را داد که محل اصلی استقرار شکنجه‌گران بود. در همان مرداد ۶۱ یکی از متهمان به نام مهرداد اصدقی با نام مستعار بهرام دستگیر شد اما گرفتن اعتراف از او بعد از ساعت‌ها بازجویی تا سال ۶۳ طول کشید و او اذعان کرد که فرمانده اول نظامی سازمان منافقین در تهران و یکی از شکنجه‌گران اصلی بود. محل استقرار شکنجه‌گران یک خانه جنوبی و متعلق به حسین ابریشمچی، یکی از مسئولان رده بالای سازمان بود و جنایتکاران حمام نسبتا بزرگ این خانه را با چسباندن ورق‌های پلاستیکی ضخیم عایق صوت کردند تا کسی از اهالی محل، صدای ضجه شکنجه‌شوندگان را نشنود. منافقان همه ابزارهای شکنجه شامل کابل برای شلاق‌زدن، نقاب، دستبند، میله‌های کوتاه سربی برای شکنجه و بیهوش‌کردن، سیخ و گاز پیک‌نیک و... را از قبل مهیا کردند تا در جریان آزار و اذیت افراد ربوده‌شده از آنها اطلاعات بگیرند. اما همان طور که در اعترافات اعضای دستگیرشده منافقین بود هیچ کدام از شکنجه‌شوندگان اطلاعی از کم و کیف ماجرا نداشتند.

شناسایی و ربودن افراد

عباس عفت‌روش، کفاش ساده‌ای بود که منافقان او را جزو مخبران نیروهای امنیتی می‌دانستند و برای این که اطلاعاتی از او کسب کنند، مصطفی معدن‌پیشه همراه فرد دیگری به نام مستعار جعفر تحت پوشش ماموران کمیته به مغازه او رفتند و بعد از زدن دستبند و چشم‌بند او را به سمت شکنجه‌گاه بهار منتقل کردند. طالب طاهری ۱۶ ساله و محسن میرجلیلی ۲۵ ساله دو پاسداری بودند که از مدت‌ها اعضای منافقین آنها را تحت نظر داشتند و زمانی که در حوالی خیابان کارون مقابل خانه مرکزیت بخش ویژه سازمان (عملیات ترور و شکنجه) در حال گشت‌زنی بودند با این عنوان که از کمیته انقلاب هستند آنها را خلع سلاح کرده و بعد از ضرب و شتم به خانه بهار می‌برند. یکی دیگر از ربوده‌شدگان فردی به نام حبیب روستا، عضو هیات مدیره شرکت پرسی‌گاز بود که قبلا از جمله هواداران سازمان به شمار می‌رفت و حتی خانه‌اش را برای مخفی‌شدن در اختیار اعضای سازمان قرار می‌داد و هم کمک‌های مالی برای آنها جمع‌آوری می‌کرد. این مهندس ۲۸ ساله اما بعد از ضربات متعدد که به سازمان در سال‌های ۶۰ و ۶۱ وارد شد نسبت به این تشکیلات دچار شک و تردید شد و به همین دلیل تیم ترور و شکنجه سازمان او را بعد از ربودن به خیابان بهار بردند و تحت شکنجه قرار دادند.

با شکنجه انتقام می‌گرفتند

بر اساس اعترافات مهران اصدقی سر تیم شکنجه‌گران، افراد ربوده‌شده گرچه تحت شدیدترین آزارها قرار گرفتند اما اساسا همه انسان‌های معلومی بودند که هیچ اطلاع خاصی درباره عملیات علیه سازمان منافقین نداشتند اما همان طور که مسعود قربانی با نام مستعار تقی اعتراف کرده، از آنها اطلاعاتی نتوانستند بگیرند اما انتقام گرفتند.

شرح شکنجه‌ها و دردهایی که ربوده‌شدگان متحمل شدند بسیار فراتر از طاقت است و چنانچه اعضای تیم شکنجه اعتراف کردند منافقین از هیچ جنایتی برای تحمیل درد و رنج به آنها فروگذار نبودند.

وحشیانه‌ترین جنایت‌ها روی طالب طاهری و محسن میرجلیلی انجام شد. طالب و محسن آن‌قدر شلاق خوردند که پاهای‌شان تاول زد. بعد روی این تاول‌ها هم آن‌قدر کابل خورد تا تاول‌ها ترکید. منافقین پاهای این دو را پانسمان می‌کردند تا آماده دور بعد شکنجه شوند. قربانی و اصدقی مرتب از آنها سؤالات تکراری می‌پرسیدند و آنها هم انکار می‌کردند. چون از رده بالای سازمان تأکید شده بود که آن دو حتما اطلاعاتی دارند، شکنجه آن دو بی‌وقفه ادامه یافت. اصدقی در برگه بازجویی خود در دادستانی انقلاب از قول معدن‌پیشه نوشته است: «ما دیروز آنها را خیلی شکنجه کردیم تا معلوم شد که آیا خانه را زیر نظر داشتند یا نه اما آنها انکار کردند و ظاهرا خانه را زیر نظر نداشتند.» منافقین روی تاول‌های این پاسداران آب جوش می‌ریختند، طوری که پوست آن دو ترک می‌خورد و تاول‌ها می‌ترکید. این دو شهید بزرگوار در جریان شکنجه بارها از هوش رفتند و به هوش آمدند. مهران اصدقی درباره شکنجه این دو پاسدار شهید می‌گوید:... آب داغ روی سر و صورت آنها ریختم که تاول زد... خون از همه جای بدن آنها جاری بود. طاهر (جواد محمدی) با نوک چاقو به بدن‌شان می‌کشید، طوری که عضوی از بدن آنها نبود که خون‌آلود نباشد. با این حال وقتی همه این شکنجه‌های فجیع جواب نمی‌دهد و به جایی نمی‌رسد، مسعود قربانی (تقی) به اصدقی می‌گوید که اتو بیاورد. تقی اتو را داغ می‌کند و به کمر محسن میرجلیلی می‌چسباند؛ اصدقی روایت می‌کند: محسن از شدت درد دهانش را به طرز عجیبی باز کرد و از هوش رفت. بوی سوختگی همه جا را گرفته بود. من (اصدقی) خیلی ترسیده بودم. مسعود هم ترسیده بود، ولی سعی می‌کرد خودش را مسلط به کاری که می‌کند، نشان دهد. کوبیدن میله مسی بر سر و صورت، ریختن آب جوش بر پیکر زخمی، کندن پوست سر، بریدن گوش و بینی، درآوردن چشم، زدن کابل بر بدن نیمه‌جان، کشیدن دندان با انبر و ... از دیگر جنایاتی است که شکنجه‌گران بیمارسادیسمی برای نشان دادن شدت بغض و کینه‌شان نسبت به اعضای پاسداران انقلاب اسلامی انجام دادند. اکنون و در جریان اغتشاشات یک ماه اخیر جنایتکارانی که چنین سابقه پر از وحشیگری و سبعیت در کارنامه خود دارند با به شهادت‌رساندن برخی شهروندان این مرز و بوم از جمله شهید آرمان علی‌وردی بار دیگر چهره حقیقی خود را نشان دادند و البته باز هم دم از آزادی و زندگی می‌زنند.